

توضیح اجمالی:

دست یافتن به هدف خروج از رکود و پرهیز از اجرای سیاست های تورمی، از دغدغه های اصلی اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۳ است. حوزه صنعت، معدن و تجارت بخش قابل توجهی از اقتصاد ایران را تحت تاثیر خود قرار می دهد. با وجود این، بیشتر ابزارهای سیاستی تاثیرگذار بر عملکرد این وزارتخانه در خارج از این حیطه تعیین و تکلیف می شود. اما، تصمیم سازان در این وزارتخانه باید بتوانند با همکاری سایر حوزه ها نقشی پررنگ در تدوین سیاست ها مطابق با انتظار آنان داشته باشند. گام نخست در این میان جمع بندی سیاست ها و توصیه ها در وزارتخانه است. بنابراین، لازم است در ارتباط با خروج از تورم و اجرای سیاست های غیرتورمی به گونه ای عمل شود که منافع بخش صنعت، معدن و تجارت تامین شود.

نکات کلیدی:

۱. پیدایش تورم و رکود در اقتصاد ایران را بی تردید باید در عوامل عرضه، تقاضا و محدودیت های ساختاری جستجو کرد و نه در یکی از این موارد. بنابراین، هرگونه سیاست اجرایی در سال ۱۳۹۳ باید بتواند از طریق همین مجراها به بهبود اوضاع کمک کند.
۲. مهمترین چالش دولت، حل معمای تدوین یا توقف سیاست انقباضی پولی در وضعیت رکودی است. به دلیل وجود ظرفیت های خالی، رفع محدودیت های مالی قطعاً به افزایش تولید کمک خواهد کرد. بنابراین، برخلاف دیدگاه برخی از تحلیل گران، سهولت انجام کسب و کار از کانال تامین مالی بی تردید در کوتاه مدت به بهبود اوضاع کمک می کند هرچند منافع بلندمدت بسیاری را هم به وجود خواهد آورد.
۳. آمارهای در دسترس نشان می دهد از مجموع ۳۲ هزار و ۸۴ واحد صنعتی دارای پروانه بهره برداری، ۸ هزار و ۲۶۹ واحد با ظرفیت بالای ۷۰ درصد فعالیت می کنند. ۹ هزار و ۲۶۴ واحد صنعتی با ظرفیت ۵۰ تا ۷۰ درصد و ۹ هزار و ۹۷ واحد صنعتی با ظرفیتی کمتر از ۵۰ درصد کار می کنند؛ مابقی واحدهای صنعتی، پنج هزار و ۴۵۴ واحد، غیرفعالند که عمدتاً به دلایل مختلف از جمله کمبود نقدینگی، تامین نشدن به موقع مواد اولیه و اختلاف با شرکا، ورشکسته یا تعطیل شده اند. برخی از واحدهایی که با ظرفیت ۵۰ تا ۷۰ درصد فعالند در منطقه زیاندهی هستند. این واحدها به صورت کلی دو راه برای خروج از این وضعیت دارند. اول آنکه قیمت محصولات را افزایش دهند که در وضعیتی کنونی امکان پذیری آن محل تردید است. دوم آنکه بهره وری آن ها افزایش یابد. در این بخش حمایت از صنایع مادر با هدف کاهش هزینه های تولید در تدوین بسته های سیاستی توصیه می شود.
۴. با کاهش تورم در چند ماه گذشته در کنار افزایش هزینه های تولید مانند دستمزدها، مالیات و قیمت مواد اولیه، امکان رقابت کالاهای قاچاق با تولیدات داخلی بیشتر شده است. بنابراین، مبارزه با قاچاق باید بیشتر از گذشته در دستور کار قرار گیرد. اقدامات سلبی بخشی از مبارزه با قاچاق است. رونق تولید خود بزرگترین اقدام در مبارزه با قاچاق از طریق کاهش قیمت کالاهای داخلی است. تا زمانی که سیاست های پولی انقباضی باشد و یا حتی نقدینگی

موجود به سمت تولید هدایت نشود نمی توان به این هدف رسید. اگر بخواهیم از مکانیزم بازار تبعیت کنیم، این امر در کوتاه مدت با افزایش نرخ سود بانکی و همزمان کاهش شکاف نرخ ارز بازار آزاد و مبادلاتی امکان پذیرتر خواهد بود. اگر بپذیریم اقتصاد ایران قدرت پایینی در جذب منابع مالی و تبدیل آن به کالاهای تولیدی دارد، حمایت از کاهش نرخ سود بانکی در وضعیت تورمی گرهی از محدودیت های تامین مالی بنگاه های تولیدی باز نخواهد کرد؛ آن هم در شرایطی که بیش از ۸۵ درصد نظام تامین مالی، بانک محور است و متقاضیان وام هم بسیار ند. منابع مالی مازاد در جامعه به دلیل آنکه بخش تولید جذابیت ندارد وارد این بخش نمی شود. تجربه کشورهای هم چون مجارستان، آلمان و ترکیه نشان می دهد ارزش گذاری صحیح نرخ سود بانکی روشی مناسب در مقابله با تورم است. با کاهش تورم همه بخش ها از جمله تولید منتفع خواهند شد. البته با تغییر نرخ های سود بانکی و تا تاثیر بر تورم گذر زمان هم تعیین کننده است. با وجود این، اگر وضعیت واحدهای تولیدی را مد نظر بگیریم که توان بازپرداخت تسهیلات با نرخ های بالاتر را ندارند باید به افزایش امکان وام دهی نظام بانکی از محل افزایش سرمایه بانک ها، بهره گیری از منابع صندوق توسعه ملی برای سرمایه در گردش و منابع ناشی از هدفمند کردن یارانه ها در بخش تولید توجه کنیم. در این صورت پیشنهاد می شود واحدهای تولیدی صادراتی در اولویت دریافت این سرمایه در گردش ها قرار داشته باشند.

تأیید رئیس گروه مشاوران:

تأیید رئیس موسسه: